نسبت دوستی و سیاست در فلسفه سیاسی یونان و دوره اسلامی

(نمونه پژوهی ارسطو و فارابی)

سیمه حمیدی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

somayehamidi@birjand.ac.ir

پیمان زنگنه

مربی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

P\_zanganeh@birjand.ac.ir

دوستی از مقوله­های مطرح در فلسفه سیاسی می­باشد. در سنت یونانی، فلسفه سیاسی در تلاش برای پیوند میان دوستی و سیاست است. اخلاق نیکوماخوسی ارسطو در راستای ارائه تفسیری دوستانه از سیاست دولت شهر نگاشته شده است. مساله فضیلت، خیر، سعادت در جامعه انسانی در پیوند با دوستی محور اندیشه سیاسی ارسطو را تشکیل می­دهد.

 اندیشه سیاسی دوره میانه نیز از یک سو متاثر از مبانی معرفت اسلامی همچون تساهل و مدارا است و از سوی دیگر از اندیشه­های یونانی به­ویژه اندیشه ارسطویی، در جهت برقراری پیوند دوستی و سیاست در مدینه فاضله است. نوشتار حاضر در تلاش است تا با مقایسه نسبت دوستی و سیاست در اندیشه ارسطو و فارابی به واکاوی مفهوم دوستی و مختصات آن در فلسفه سیاسی این دو فیلسوف بپردازد.

واژگان کلیدی: دوستی، فلسفه سیاسی، دولت شهر، مدینه فاضله، ارسطو، فارابی